

زوال سکونت‌پذیری و تولد محله‌ای کم‌برخوردار: فرایند ادغام روستای باغ‌نی در کلانشهر کرمانشاه*

سیاوش قلی‌پور^۱، محمدحامد پورجعفری^۲، شریفه حق شناس^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴)

چکیده

این مقاله به بررسی فرایند ادغام روستای باغ‌نی در کلانشهر کرمانشاه و پیامدهای آن می‌پردازد. رویکرد نظری مقاله مبتنی بر آرای میشل دوسرتو و مارتین هایدگر است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و فنون گردآوری داده مرور اسناد، مشاهده و مصاحبه است. تعداد مصاحبه‌شوندگان ۱۶ نفر بوده و براساس نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند روستای باغ‌نی پیش از ادغام در کلانشهر کرمانشاه سکونت‌پذیر بود و فعالیت‌های انجمن ایالتی در اوایل دهه ۴۰ مانند ساختن مدرسه، حمام عمومی، لوله‌کشی آب، و لایروبی نهرها، سکونت‌پذیری را تقویت کرد. همزمان با این فعالیت‌ها، فرایند ادغام با دست‌اندازی به قلمرو روستا شروع و تا پایان قرن ادامه داشت. ساخت شهرک ۲۲ بهمن در غرب، ایجاد تأسیسات ارتش در شمال و واگذاری زمین‌های باغ فردوس و دانشکده کشاورزی در شرق سه روند دست‌اندازی به حریم روستا در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی بودند. پس از انقلاب نیز، ساخت فضاهای آموزشی و محله مسکونی در حدفاصل روستا و تأسیسات ارتش به همراه مجموعه جهاد دانشگاهی، مهم‌ترین روندهایی بودند که باغ‌نی را در کلانشهر کرمانشاه ادغام کردند. ادغام باغ‌نی در شهر، روند طولانی مدتی است که در درون فرایندهای اقتصادی و اجتماعی و تصمیم‌های سیاسی رخ داد. باغ‌نی کشتی به سمت ادغام در شهر نداشت اما توسعه برونزای کلانشهر کرمانشاه این روستا را به شیوه‌ای آمرانه و از بالا در درون خود جای داد. به همین دلیل پیامدهای منفی گوناگونی به همراه داشت که عبارتند از: از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، سلب مالکیت گسترده، زوال سکونت‌پذیری، شکل‌گیری محله‌ای کم‌برخوردار، قیمت پایین ملک وانزوای تحمیلی در درون دیوارهای بلند. **واژه‌های کلیدی:** باغ‌نی، توسعه شهری، سکونت‌پذیری، سلب مالکیت، شهرک‌سازی، کرمانشاه.

* مقاله علمی: پژوهشی

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2049703.1880>

^۱ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. sgholipoor@razi.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mh.pourjafarri@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. sharif.hagh@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

روستای باغ‌نی به همراه روستاهای چاله چاله، چقاکیبود، چقاگلان، مراد حاصل، باغ ابریشم، سرخه‌لیژه، چقامیرزا، سراب قنبر، طاق‌بستان و کهریز درگذشته پیرامون شهر قدیم کرمانشاه بودند. این روستاها با توسعه فیزیکی شهر کرمانشاه از سال ۱۳۲۰ تا دهه ۶۰ خورشیدی در درون بافت شهری جای گرفتند و از جهت گوناگون تحت تأثیر روند توسعه شهری قرار گرفتند. این روستاهای ادغام شده در شهر به لحاظ سطح توسعه یافتگی و برخوردارگی از امکانات و خدمات سرنوشت یکسانی نداشتند. برخی به محله‌های طبقه متوسط و برخی به محله‌های کم‌برخوردار یا حاشیه‌نشین تبدیل شدند. پروژه‌های شهری مانند شهرک‌سازی، توسعه راه‌های شوسه به بلوارهای پهن و طولانی، ایجاد تأسیسات نظامی، مداخلات اداری، ساخت‌وسازهای رسمی و غیررسمی که در بطن خویش تغییر مالکیت را به همراه داشتند، در این فرایند نقش ایفا کردند.

هر کدام از این روستاها در مقابل روند ادغام که در بطن خویش سلب مالکیت، تغییر کاربری و زوال همبستگی اجتماعی را به همراه داشت واکنش‌های گوناگونی داشتند که درک آن نیازمند مطالعات تاریخی و تجربی است. تعدادی از آن‌ها در مقاطعی سرسختانه مقاومت کردند و شورش‌های شهری را رقم زدند. برخی نیز، از طریق چانه‌زنی و گفتگو تلاش کردند آسیب کمتری ببینند. بقیه نیز تلفیقی از مقاومت، گفت‌وگو و چانه‌زنی را در پیش گرفتند. دستاورد همه آن‌ها یکسان نبود و به شرایط و مقتضیات زمان، سیاست‌های دولت و نوع مداخله‌اش، شدت مقاومت و مؤثر بودن چانه‌زنی بستگی داشت.

واکنش روستاییان در برابر این مداخلات متأثر از سکونت‌پذیری، حفظ ارزش‌های جمعی و اجتماع محلی بود. اینان می‌کوشیدند از زمین کشاورزی (که محل درآمد آنان بود)، یاد و خاطره گذشتگان، روابط اجتماعی پایدار، سرنوشت مشترک و روابط خویشاوندی مراقبت کنند. روستای باغ‌نی به همراه چاله‌چاله جزو اولین روستاهای دشت «خوره‌سو» بود که در روند ادغام در درون شهر کرمانشاه قرار گرفتند و شاهد مداخلات گوناگونی چون شهرک‌سازی، حاشیه‌نشینی، تصرف عدوانی، تغییر کاربری، تخریب قبرستان و نظایر آن بود. این روستا با وجود مالکیت بر بخشی از اراضی دشت خوره‌سو در نهایت پس از چندین دهه خود به یک محله کم‌برخوردار تبدیل شد. تا کنون مطالعه‌ای درباره فرایند سلب مالکیت و زوال سکونت‌پذیری این روستا که اکنون در مرکز کلان‌شهر کرمانشاه است صورت نگرفته است. مقاله حاضر تلاش می‌کند با مطالعه فرایند ادغام روستای باغ‌نی در شهر کرمانشاه به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. فرایند ادغام باغ‌نی در کلانشهر کرمانشاه چگونه بود؟
۲. کدام روندها و مداخلات در زوال سکونت‌پذیری باغ‌نی نقش داشتند؟
۳. پیامدهای ادغام باغ‌نی در کلانشهر کرمانشاه کدام هستند؟

پیشینه پژوهش

آثار زیادی در مورد ادغام روستا در شهر وجود ندارد. همین تعداد اندک نیز بیشتر در حوزه جغرافیا و کالبد هستند. عزیزی و همکاران (۱۳۹۹) به تبیین روند ادغام روستاهای مناطق گرم و خشک در سه مرحله آغاز، میانی و آثار آن‌ها پرداختند. در مرحله اول دوری و نزدیکی به شهر، در مرحله دوم تراکم جمعیت، مساحت و نوع توسعه اهمیت دارند. سرانجام ارزش پایین مسکن، درآمد اندک و مهاجران غیربومی پیامدهای ادغام هستند. فیروزنیا و همکاران (۱۳۹۰) به پیامدهای ادغام روستاهای شهر کاشان پرداختند. بهبود زیرساخت‌های کالبدی، توسعه‌ای، خدمات‌رسانی و افزایش ساخت‌وساز پیامدهای مثبت و تغییر کاربری اراضی، تبدیل جمعیت تولید کننده به مصرف کننده و افزایش هزینه‌های زندگی پیامد مثبت هستند. رحمانی فضلی و همکاران (۱۳۸۸) به پیامدهای ادغام روستای کانی سور در درون شهر بانه پرداخته‌اند. کاهش نقش زراعت، افزایش هزینه‌های زندگی، افزایش قیمت زمین و بورس‌بازی از پیامدهای منفی و افزایش مهاجرپذیری از پیامدهای مثبت آن است. شمسی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که هسته اولیه روستای ادغامی جماران در کلانشهر تهران نسبت به بافت فراگیر ریزدانه‌تر بوده و عرض معابر آن کم است که مشکل نفوذناپذیری و رفت و آمد دارد.

هارا و همکاران^۱ (۲۰۱۰) به تأثیر گسترش بافت مسکونی شهر بانکوک و فاضلاب آن بر محصولات کشاورزی می‌پردازند. دوگان^۲ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که شهرنشینی سریع در آدنای ترکیه همراه با مشکلات زیست محیطی و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی حاصلخیز بوده است. ژانگ^۳ (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که چین در روند توسعه شهری بخش زیادی از زمین‌های کشاورزی را از دست داده است و سیاست‌های کنترلی در این زمینه موفق نبودند.

غالب مطالعات موجود بر کالبد تأکید داشتند و چندان به وجوه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مانند سلب مالکیت، سکونت‌پذیری، توسعه شهری و مقاومت نپرداخته‌اند. افزون بر این، این

1 Hara and *et al*

2 Doygun

3 Zhang

مطالعات روند را بررسی نکرده‌اند و زمینه اجتماعی و اقتصادی در تبیین آن‌ها مغفول است. مقاله حاضر تلاش می‌کند فرایند ادغام را در روند توسعه شهر کرمانشاه بررسی کند تا از حالت انتزاعی و صوری خارج و زمینه‌مند گردد.

چارچوب نظری

به طور کلی دو دیدگاه نظری در باب ادغام روستا در شهر وجود دارد. نخست، غلبه نیروهای کشش در روستا که (۱) منجر به استحاله در شهر و تشکیل یک محله شهری می‌شود. (۲) یا با دگرذیسی آرام محله‌ای با ویژگی روستا-شهر به وجود می‌آید. دوم، غلبه نیروهای شهری ناشی از توسعه برونزا که سبب استحاله ناقص روستا در شهر و تشکیل محله‌های حاشیه‌نشین و کم برخوردار می‌شود. روند اخیر در دیدگاه میشل دوسرتو صورت‌بندی شده است.

رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر آراء دوسرتو^۱ و هایدگر^۲ است. از نظر دوسرتو نگاه از بالا و توسعه‌گرای شهرسازان همواره انتزاعی و مبتنی بر نادیده گرفتن برخی خصایص زندگی روزمره مانند حکایت‌پردازی و فضای زیسته است. از نظر وی «اداره امور شهر با فرایند حذف پیوند خورده است زیرا شهر از طریق کاربردهای نظری^۳ و طبقه‌بندی کنترل می‌شود. از یک طرف، نوعی تفکیک و بازتوزیع بخش‌ها و کارکردهای شهر وجود دارد که به منزله نتیجه واژگونی، تغییر مکان‌ها، انباشت‌ها و غیره است؛ از طرف دیگر طرد تمامی چیزهایی را می‌بینیم که قابلیت درگیر شدن در چنین شیوه‌ای ندارند و "ضایعات" یک مدیریت کارکردگرا را تشکیل می‌دهند» (دوسرتو، ۱۳۸۲: ۱۳۸). توسعه نمی‌تواند چیزهایی که متناسب با طرح جامع نیستند را برای همیشه حذف کند. به ناچار آن‌ها را به دایره امور شهر باز می‌گرداند. حاشیه‌نشینی و روستاهای ادغام شده در شهر از جمله این موارد هستند که هیچ وقت حذف نشدند و سرانجام در درون طرح جامع قرار گرفتند. «توسعه مرتباً اثراتی تولید می‌کند که در تناقض با اموری قرار دارند که قصد انجام آن‌ها را داشته است. عقلانی کردن شهر [بر طبق نظر شهرسازان] به سردرگمی‌اش در گفتارهای استراتژیک ختم می‌شود» (دوسرتو، ۱۳۸۲: ۱۳۸). مدیریت کارکردگرای شهر «با مزیت بخشیدن به توسعه سبب می‌شود که شرط امکان خاص توسعه -یعنی همان فضا- به فراموشی سپرده شود؛ از همین رو فضا نقطه کور تکنولوژی‌های

1 De Certeau

2 Heidegger

3 speculative

علمی و سیاسی است» (دوسرتو، ۱۳۸۲: ۱۳۸). نتیجه این روند توجه صرف به کالبد و هندسه و زوال معنا، زیست‌پذیری و سکونت‌پذیری است.

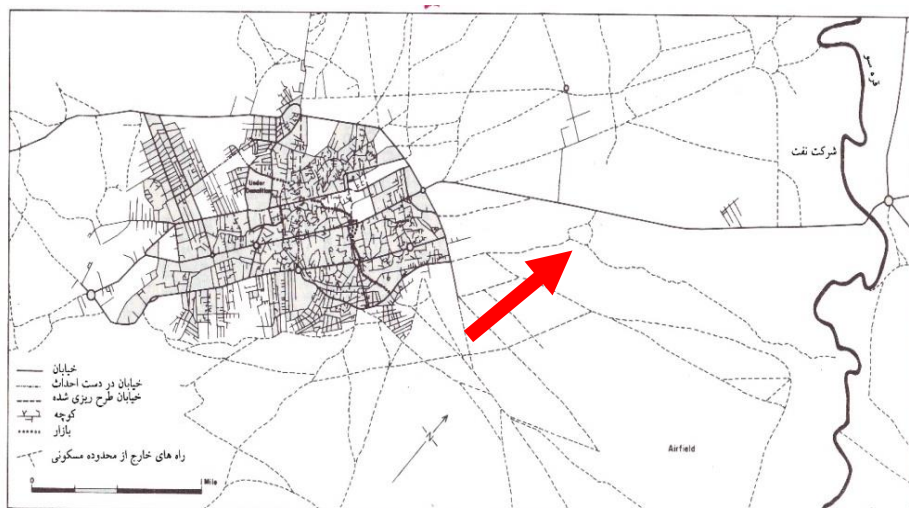
هایدگر (۱۳۷۷) در مقاله «بنا کردن، سکونت کردن، اندیشیدن» معنای سکونت کردن را تشریح کرده است. از نظر وی بنا کردن لزوماً منجر به ساختن خانه نمی‌شود. «سکونت کردن، در صلح و آرامش قرار گرفتن، یعنی در صلح و صفا ماندن، در درون امر آزاد یا در حریم آزادی است که از چیزی مطابق با ماهیتش حراست می‌کند. خصیصه اساسی سکونت کردن همین آسیب نرساندن و حراست است» (هایدگر، ۱۳۷۷: ۱۳۷).

انسان از طریق سکونت‌کردن وحدت چهارگانه زمین، آسمان، فانیان (انسان‌ها) و خدایان (معانی و ارزش‌ها) را محقق می‌سازد. زمین و آسمان را از تعرض آدمی و علم در امان نگه می‌دارد. اجازه می‌دهد که اشیاء ماهیت خود را به منصفه ظهور برسانند. هرگونه مداخله محاسبه‌گرانه، غیرانسانی و تعرض‌جویانه را از جهان دور می‌کند. در فضای سکونت‌پذیری رابطه انسان‌ها با جهان حضوری است و نه با واسطه. انسان به روی جهان گشوده است و فصد استعمار و تعرض به آن (آلودگی محیط زیستی و مداخله در طبیعت) را ندارد. تحقق این امر از طریق قرارگرفتن در میان جهان ممکن می‌شود. بودن در جهان «گونه‌ای از دریافت حضوری حقایق (اشیا) و نحوه‌ای از تفکر اصیل است» (صافیان و مؤمنی، ۱۳۸۹: ۵۸). در انتظار خدایان می‌ماند. به معنای و خاطرات گذشتگان احترام می‌گذارد. انسان‌ها را همراهی و هدایت می‌کند. نگاه ابزاری به زیست انسان‌ها ندارد.

از نظر هایدگر نگاه توسعه‌طلب مدرن خطر جدی برای سکونت‌کردن است؛ زیرا تمام ابعاد کیفی سکونت‌کردن را به ابعاد کمی و قابل‌اندازه‌گیری تقلیل می‌دهد و روح مکان را از آن می‌زداید. هایدگر (۱۳۷۳) در مقاله «پرسش از تکنولوژی» نشان می‌دهد که این نوع نگاه، ناشی از اندیشه علمی است که طرحی متفاوت از نگاه سنتی به جهان است. در نگاه سنتی انسان در طبیعت و بخشی از آن محسوب می‌شد اما نگاه مدرن مداخله‌گرانه است و جهان را به کمیتی صرف برای کنترل، ذخیره‌سازی و انبار کردن تبدیل می‌کند. نگاه توسعه‌طلب به دنبال تعرض به محیط زیست و محل سکونت است. زمین را متراژ تقلیل می‌دهد و با تفکیک آن را در بازار به خرید و فروش می‌گذارد. به روابط همسایگی و همبستگی اجتماعی واقعی نمی‌نهد. هر آن چیزی که کیفی است به کمیت و کالای قابل خرید و فروش تقلیل پیدا می‌کند. از نظر مارک اوژه (۱۳۷۷) این مداخلات محاسبانه «مکان انسان‌شناختی» را به نامکان تبدیل می‌کند. و سه خصیصه هویت، ارتباط و تاریخ را امکان می‌زداید.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه هدف محله باغ‌نی است که قبل از اصلاحات ارضی روستایی در شمال شهر قدیمی کرمانشاه واقع در دشت «خوره سو» بود (نک: نقشه ۱). محدوده باغ‌نی از شمال به چغاگلان، از شمال غرب به شاطر آباد (شرکت نفت فعلی)، از غرب به چاله چاله، از شرق و جنوب شرقی به باغ فضا، کیهانشهر و باغ فردوس و از جنوب به گاری خانه (گاراژ) منتهی بود.



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی روستای باغ‌نی در دشت خورسو که با پیکان مشخص شده است

منبع: کلارک و کلارک، ۱۳۹۵

فنون گردآوری داده اسناد، مشاهده و مصاحبه هستند. اسناد تغییرات کالبدی و اجتماعی از اهالی اخذ و تصویر آن‌ها در مقاله درج شد.

مشاهده: یکی از نویسندگان جزو ساکنان این محله بوده و به مدت یک سال به طور سیستماتیک مشاهدات خود را ثبت کرده است. بر طبق داده‌های جدول ۱ کالبد محله مانند بافت قدیمی، روند ساخت و سازهای سال‌های اخیر، نهادها و سازمان‌های مجاور، محله‌های جدید و تأسیسات جدید مشاهده شد.

زوال سکونت پذیری و تولد محله‌ای کم برخوردار: فرایند ادغام ...

جدول ۱. ابعاد مشاهده

مدت زمان	ویژگی	حوزه مشاهده
هر ماه ۵ روز	بافت قدیمی، روند ساخت و سازهای سال‌های اخیر، نهادها و سازمان‌های مجاور، محله‌های جدید، تأسیسات جدید.	کالبد
هر ماه ۱۰ روز در چهار نوبت صبح، ظهر، عصر و ...	رفتارهای عادی در زندگی روزمره، رفتارهای مبتنی بر منازعه	تعاملات اجتماعی

مصاحبه: دیگر فن گردآوری داده مصاحبه است. پس از مصاحبه با ۱۶ نفر اشباع نظری حاصل شد. جدول ۲ ویژگی‌های مصاحبه شونده‌گان را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ویژگی‌های مصاحبه شونده‌گان (اطلاع رسانی‌ها)

ردیف	نام	سن	شغل	ردیف	نام	سن	شغل
۱	الله‌داد	۸۰	بازنشسته	۹	کاک‌علی	۹۰	بازنشسته
۲	میرزا مراد	۸۰	راننده	۱۰	علی محمد	۸۵	راننده
۳	داریوش	۶۳	فرهنگی	۱۱	حامد	۳۹	مغازه‌دار
۴	فرح	۶۱	خانه‌دار	۱۲	صنم	۹۳	خانه‌دار
۵	سیاوش	۶۷	خانه‌دار	۱۳	عطیه	۳۵	کارمند
۶	غلامحسین	۶۰	مغازه‌دار	۱۴	غلامرضا	۴۸	کارمند
۷	بتول	۷۰	خانه‌دار	۱۵	بیگ مراد	۶۸	کشاورز
۸	اکرم	۴۷	خانه‌دار	۱۶	حسین	۶۰	کارمند

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به الگوی مارشال و راسمن در پنج مرحله انجام گرفت: (۱۳۸۱: ۱۵۷).

۱. سازماندهی داده‌ها: داده‌ها بر اساس دوره‌های تاریخی دسته‌بندی شدند.
۲. طبقه‌بندی داده‌ها، موضوع‌های اصلی و الگوها: در هر دوره موضوعات طبقه‌بندی شدند.
۳. واری‌های پرسش‌های پژوهشی با توجه به داده‌ها: موضوعات و مفاهیم گوناگون در ارتباط با سوال‌های پژوهش‌بازینی و توجیهات گوناگون مد نظر قرار گرفت.
۴. جستجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها: منطق داده‌ها توضیح داده شد.

۵. نوشتن و تهیه گزارش: سرانجام گزارش پژوهش نگاشته شد.

یافته‌های پژوهش

باغ‌نی روستایی در جوار شهر قدیمی کرمانشاه

برخی اهالی قدمت روستا را ۷۰۰ سال^۱ پیش می‌دانند. برخی دیگر قدمت آن را به گذشته‌ای نامعلوم متصل می‌کنند که یافته تاریخی برای تأیید آن وجود ندارد؛ بلکه صرفاً قصد دارند خاستگاه آن را به گذشته‌ای دور متصل سازند. در اسناد تاریخی، قبل از شکل‌گیری شهر کنونی کرمانشاه در دوره زندیه، باغ‌نی در دشت کرمانشاه وجود داشت و جزو املاک خالصه بود (نک: کشاورز، ۱۳۹۵: ۹۶-۹۷). چریکف در سال ۱۲۳۰ خورشیدی آمار روستاهای دشت کرمانشاه را چنین گزارش می‌دهد: شاطر آباد ۲۰ خانوار، چقامیرزا ۸ خانوار، چقاگلان ۵ خانوار، باغ‌نی ۳۵ خانوار^۲، ده مجنون ۱۵ خانوار، قلعه‌حسن‌بگ ۵ خانوار، سراب سعید ۹ خانوار، قلعه حاجی کریم ۱۵ خانوار و سراب همتی ۸ خانوار (مهریار، ۱۳۷۸: ۲۰۱)، ساکنان آن در املاک خالصه‌جات و وقفی به‌عنوان رعیت مشغول کشاورزی بودند. این املاک توسط اجاره‌داران اداره می‌شدند. اجاره‌دار ساکن کرمانشاه بود و از طریق «ضابط» اداره امور را به دست داشت.

شیوه معیشت روستا دهقانی سهم بری و دامداری بود^۳. دهقانی سهم بری نوعی از مناسبات تولید بود که بر اساس مشارکت عوامل آب، زمین، بذر، گاو و نیروی انسانی تعیین می‌شد. اجاره‌دار همواره دو عامل آب و زمین را در اختیار داشت و دو پنجم محصول از آن وی بود. اگر در بذر و گاو شخم‌زن هم مشارکت می‌کرد چهار پنجم محصول را صاحب می‌شد. بر اساس مصاحبه با سالمندان، اهالی باغ‌نی گاو، بذر و نیروی انسانی را بر عهده داشتند و اجاره‌دار یک‌سوم محصول را به خود تخصیص می‌داد. این میزان کافی نبود؛ زیرا پس از تخصیص یک‌سوم محصول یک‌سوم

۱. طبق گفته اهالی در گودبرداری‌های گوناگون عمرانی، در طول دهه‌های اخیر سنگ قبرهایی از زیر خاک بیرون آمد که مربوط به قرون میانی بودند. یکی از اهالی می‌گوید: «هنگام گودبرداری یکی از معابر محله در سال‌های گذشته سنگ قبر نفیسی بیرون افتاد که روی آن با خط زیبا نام استاد یوسف را حک شده بود. شاید درج واژه استاد به آن معنی است که در زمان گذشته صنعتگرانی در اینجا می‌زیسته‌اند» (مصاحبه گروهی با اهالی)

۲. نام خانوادگی ساکنین روستا غالباً از ترکیب نام بزرگ خاندان با پسوند باغ‌نی شکل گرفته است. برخی از خانواده‌ها هم‌زمان با گسترش شهر به روستای باغ‌نی، پسوند باغ‌نی را از نام خانوادگی خود حذف کرده‌اند.

۳. شیوه زیست کشاورزی از دهه ۵۰ به مرور با رشد شهر کرمانشاه از بین رفت. سال ۷۸ نیز برای همیشه دامداری در محله ممنوع شد.

دیگر صرف بذر سال آینده، نان و خوراک دام می‌شد. یک‌سوم دیگر برای زارع باقی می‌ماند. از آنجاکه هر زارع روی یک جفت زمین (۴ تا ۵ هکتار) کار می‌کرد عملاً مازاد زیادی حاصل نمی‌شد. اجاره‌دار هنگام برداشت محصول در «خرمانجا» حضور پیدا می‌کرد و یک‌سوم سهم خود را بر می‌داشت. بنابراین خانوارها برای رفع مشکلات اقتصادی مبادرت به دامداری هم می‌کردند تا از پس هزینه‌ها برآیند. یکی از اهالی می‌گوید:

«اوایل دهه ۳۰ مادرم مقداری روغن حیوانی درست کرد و مرا به شهر فرستاد تا آن را بفروشم. به محله فیض‌آباد رفتم و نه تنها به همه مغازه‌ها رفتم بلکه درب تک تک منازل را زدم تا آن را بفروشم» (میرزا مراد، ۸۰ ساله از ساکنان قدیمی باغ نی).

اهالی علاوه بر روغن حیوانی، پنیر، کشک و دیگر محصولات دامی را در گاری‌خانه، و فرخوان، کوچه لک‌ها و محله فیض‌آباد می‌فروختند. آنان دام‌های خود را در ابتدای فصل بهار به علفچر تنگ کنشت می‌بردند. این جابه‌جایی نوعی کوچ عمودی بود و نه طولی. ضابط به روستاییان باغ‌نی اجازه نمی‌داد که دام‌ها را در اطراف روستا نگه دارند؛ زیرا سبب آسیب‌رساندن به مزارع می‌شدند. نزدیک بودن باغ‌نی به کرمانشاه سبب شد که اجاره‌داران در روستا خانه یا قلعه نسازند و نماینده خویش که ضابط نام داشت هر روز سوار بر اسب به امور روستا رسیدگی می‌کرد و شباهنگام به شهر بر می‌گشت.

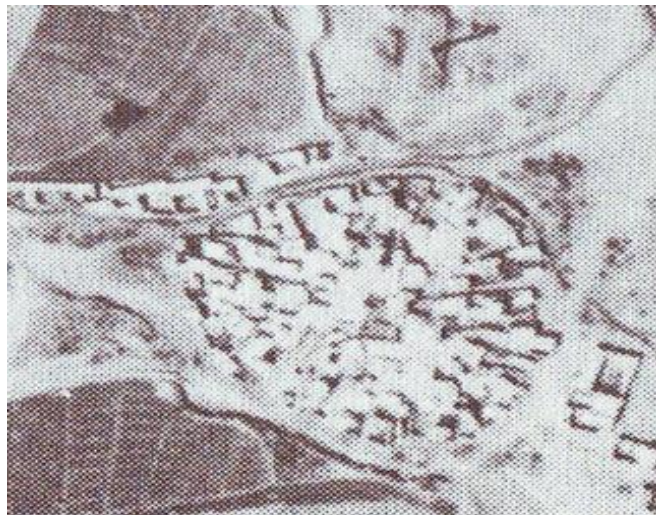
روستای باغ‌نی محصور در دو نهر آب منشعب شده از آب‌شوران قرار داشت که بخش زیادی از آب زراعی موردنیاز اهالی را تأمین می‌کردند و آب آشامیدنی نیز از چاه آب نزدیک جاده شوسه طلاق‌بستان و در صورت آلودگی این چاه در مواقع ضروری، از آب چاه واقع در مکان کنونی مسجد حاج دایی تأمین می‌شد. مسیر آب‌شوران و اطراف آن نیز^۱ بود به همین دلیل این روستا را باغ‌نی می‌نامیدند. مردم از طریق پل^۲ با اطراف ارتباط داشتند. باغ‌نی به لحاظ ریخت‌شناسی جزو روستاهای

۱. افسانه‌های زیادی در مورد نیزار روستا وجود داشت. برخی معتقد بودند اینجا زیستگاه دو پلنگ بود دو برادر برای اولین بار اینجا آمدند پلنگ‌ها را کشتند و شروع به خانه‌سازی کردند. آنان اولین ساکنان این روستا بودند (مصاحبه با اهالی).

۲. در زمان قدیم مردم برای عبور و مرور از روی آبشوران پل‌های چوبی ساخته بودند که تا دهه ۵۰ و ۶۰ آثارشان باقی بود و به مرور از بین رفتند. سال ۱۳۵۴ حزب رستاخیز یک پل فولادی برای رفت و آمد بچه‌های باغ‌نی به مدرسه بشارت بر روی آبشوران ساخت.

مجتمع بود (نقشه ۲). آنان برای دفاع از خانه در برابر برخی حیوانات وحشی و ایل‌هایی^۱ که برای مبادله از کنار مزارع آنان می‌گذشتند خانه‌ها را در کنار هم و بدون فاصله ساخته بودند. علاوه بر ایل‌ها، ناامنی‌های ادواری (دوران حکومت محب علی ماکویی در دهه ۲۰ و ۳۰ سده دوازدهم، جنبش مشروطه و جنگ جهانی اول و دوم) مردم را وادار به ساختن روستاهای مجتمع کرد.

«پدربزرگ من به همراه خانواده خود و چندین خانواده دیگر باغ نی، در جنگ جهانی اول به دلیل حضور متجاوزین در روستاهای اطراف، شب‌ها به شهر کرمانشاه می‌رفتند. مردم قدیم باغ نی در کوچه چرچی‌های فیض‌آباد خانه خریده بودند. برخی مهاجران فقیر در باغ‌نی ناچار در روستا باقی می‌ماندند. زنان این افراد چهره خود را دوداندود می‌کردند و درون تنور پنهان می‌شدند» (میرزاملرادی، ۸۰ ساله).



نقشه ۲: روستای باغ‌نی در دهه ۲۰ خورشیدی

منبع: کلارک و کلارک، ۱۳۹۵

هوگو گروته^۲ در سال ۱۲۸۶ خورشیدی پس از ترک کرمانشاه و حرکت به سوی طالق‌بستان می‌نویسد: «هر چه به سمت خوره سو نزدیک می‌شویم به تعداد بیشه‌ها افزوده می‌شود. در میان

۱. کرمانشاه تا قبل از اسکان عشایر در مسیر ییلاق و قشلاق بسیاری از ایل‌های منطقه از جمله ترکاشوند، پایروند، زوله و جمور، نانکلیوند، زنگنه، احمدوند، عثمانوند و جلالوند قرار داشت.

2. Grothe. H

این بیشه‌های سبز و خرم روستاهایی دیده می‌شود که خانه‌هایشان گلین و بام‌هایشان مسطح است» (۱۳۶۹: ۱۰۲). خانه‌ها در کنار هم بودند تا بتوانند از دام مراقبت کنند.

«ورودی خانه ایوان قرار داشت که دو ستون چوبی سقف آن را نگه می‌داشت. کنار ایوان دودکش بزرگی بود و در کف ایوان اجاق برای پخت‌وپز غذا و تهیه نان قرار داشت. برخی خانه‌ها یک اتاق و برخی دو اتاق داشتند. سقف اتاق‌ها تیر و چوب بود و پشت‌بام را گل‌اندود می‌کردند و اندکی شیب داشت تا آب باران را به داخل حیاط هدایت کند. پشت اتاق‌ها آغل (محل نگهداری دام) و کاهدان قرار داشت و مسیر عبورمروور دام از زیر اتاق‌ها بود» (الله داد، ۸۰ساله، ساکنان قدیمی).

کار دشوار زراعت نیازمند همکاری میان افراد ده بود؛ بنابراین آنان برای زهکشی نهرها، کاشت بذر، وجین، برداشت (گندم، جو، نخود) و خرمن کوفتن نیازمند نیروی انسانی بودند که از طریق نوعی همیاری به نام «گل» محقق می‌شد. این نوع همیاری بدین صورت بود که همه اهالی یا گروهی از آنان جملگی با هم مزرعه یک نفر را درو می‌کردند و روزهای بعد مزرعه نفر بعدی و این کار تا زمانی ادامه می‌یافت که تمام مزارع برداشت می‌شدند.

آنان مفهوم تنهایی را نمی‌شناختند و در مواجهه با مخاطرات و مشکلات از کمک هم روستایی‌های خویش برخوردار بودند.

نظام اجتماعی روستا مبتنی بر تمایزات خانواده و خویشاوندی بوده و هست. آنان خانواده‌های گسترده‌ای بودند که جدا از هم ولی در یک سکونت‌گاه می‌زیستند. غالباً نام خانوادگی آنها از ترکیب نام بزرگ خاندان با پسوند باغ‌نی شکل گرفته بود. برخی از خانواده‌ها هم‌زمان با گسترش شهر به روستای باغ‌نی، نام باغ‌نی را از پسوند نام خانودگی خود حذف کردند. ازدواج نهادی استراتژیک برای مبادله و پیوند این خانواده‌ها بود که جدایی و مناقشه را در میان آنان در سطح نازلی نگه می‌داشت.

یکی از اهالی می‌گوید:

«بچگی ما در باغ‌نی سرشار از خاطره بود. خانه تمام اهالی مانند خانه ما بود. مردم شب‌ها برای شب‌نشینی به خانه هم می‌رفتند و روزها در کنار همکار می‌کردند. ما دخترها هنگام بازی محدودیتی نداشتیم و حریم روستا خانه ما بود» (فرح، ۶۲ساله، ساکن روستا).

بازی‌های کودکانه متناسب با شیوه زیست و حال‌وهوای زندگی روستایی بود. یکی دیگر از

اهالی می‌گوید:

«رایج‌ترین بازی میان بچه‌ها «کرت کرت» بود. بچه‌ها زمین را تقسیم و در مقیاس مینیاتوری کرت‌بندی و سپس آب را به داخل کرت‌ها هدایت می‌کردند. سگ‌ها و گاوهایمان اسم داشتند و بخشی از دلخوشی‌های بچه‌ها انس با همین حیوانات بود» (داریوش، ۶۴ساله).

مناسک سوگ و سوگ نیز نقش شایانی در جمع‌گرایی و همبستگی اجتماعی داشتند. مردان روستا هنگام فراغت از کشاورزی و دامپروری روزانه برای گوش‌دادن به شاهنامه‌خوانی در طاق‌بستان به همراه هم روانه می‌شدند و تا شباهنگام در آنجا بودند و روابط دوستی را تقویت می‌کردند. یکی دیگر از مناسک مهم در باغ‌نی «کتاب‌خوانی» بود:

«داستان رشادت‌های شاهان و قهرمانان را با آواز اجرا می‌کردند و این مراسم در شب‌های بلند پاییز و زمستان و در منازل بزرگان طایفه انجام می‌گرفت» (میرزا مراد، ۸۰ساله، ساکن روستا).
مناسک روزه‌خوانی در دو ماه محرم و صفر مرتب در میان خانه‌های اهالی روستا برگزار می‌شد و روحانیون عادی از کرمانشاه و گاهی هم از قم به دعوت اهالی برای برگزاری این مناسک حضور پیدا می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین مناسک روستا «جلسات فرهنگی هفتگی» است که از اوایل دهه ۵۰ تا کنون اجرا می‌شود. در این دهه یکی از مهاجران ساکن در قسمت شهری ییل(شهری‌ها) به نام آقای چاووشی جلسات فرهنگی هفتگی را بنا نهاد و بعد از آن دو تن از اهالی باغ نی بنام‌های داریوش پورجعفری و الله داد فتحعلی باغ نی این محفل را پس از تأسیس مسجد فاطمه الزهرا با مشارکت جوانان روستا، در قالب هیات فرهنگی مذهبی فاطمیه باغ‌نی ادامه داده و با تشکیل تیم ورزشی کوثر باغ نی در ذیل همین هیات، جوانان محله را جذب فعالیت‌های مذهبی کردند. اکنون نیز این جلسات با دستور تفسیر قرآن و مثنوی مولانا در منزل داریوش پورجعفری همچنان ادامه دارد و در دهه‌های محرم با دعوت از اساتید دانشگاه به صورت شبانه برگزار می‌شود.
یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«در بحبوحه انقلاب اسلامی ۵۷ اعضای هیئت وظیفه نگهبانی از منازل و امنیت محله را بر عهده داشتند. پس از آن با شناسایی خانواده‌های محروم باغ‌نی و محله‌های تازه‌تأسیس باریکه و شهپاد به آنان کمک می‌کردند» (حامد، ۳۹ساله).

تمام نام‌های روستا و قلمرو آن برگرفته از زندگی روزمره، مناسبات جمعی و طبیعت بود. نام «پچیه» که محلی پایین‌تر از فرمانداری کنونی است محل نگه‌داری دام در اوایل پاییز بیرون از روستا بود که در زاگرس میانی پچی نام داشت (برای آگاهی بیشتر در مورد پچی نک: قلی‌پور و

قلی‌پور، ۱۴۰۲؛ مورتسن، ۱۳۷۷). «تپه رُتِیلا» تپه‌ای بود که شبیه رتیل بود. زمین «مامه ولی» از مالکان آن روزگار در شمال شرق روستا بود که در دهه ۴۰ قطعه‌بندی و به افراد غیربومی واگذار شد و زمینه ورود اولین موج رسمی و گسترده مهاجران (غریبه‌ها) را در جوار باغ‌نی فراهم کرد. مردم باغ‌نی آنها را «شهری ییل» یا شهری‌ها خطاب می‌کردند. شهری‌ها در همان بدو اسکان از طرف مردم باغ‌نی پذیرفته شده و در مناسک و مناسباتشان شرکت کرده و مورداحترام قرار گرفتند و در مسائل روستا هم نقش‌آفرینی کردند و تعامل دوطرفه‌ای میان مردم روستا و شهری‌ها برقرار شد.

زمین «میرزا قلی رضایی» که از مالکان هم‌جوار با «مامه ولی» بود، توسط یکی از زارعان باغ‌نی بنام هیبت، کشت‌ووزع می‌شد و در میان محلی‌ها به زمین «هیوتی» معروف بود. برخی مکان‌ها معانی مقدس و برخی معانی شر به همراه داشتند. اهالی بر این باور بودند که در غرب روستا در محل ۶ بهمن (۲۲ بهمن کنونی) جن داشت. شباهنگام افراد همراه جن‌گیر که یکی از اهالی بود از این محل عبور می‌کردند، افسانه‌ها و خاطرات مواجه با مردآزمای و عزا و عروسی جن‌ها در ساکنان کهن‌سال باغ‌نی همیشه رایج بود. به‌طور کلی قلمرو باغ‌نی از طریق معانی خوب/بد، خیر/شر و نظایر آن پایگان‌بندی معنایی بود.

بدین ترتیب روستای باغ‌نی، سکونت‌پذیری بالایی داشت؛ زیرا شدت روابط اجتماعی از طریق مناسک زیاد بود. افراد از طریق همیاری از یکدیگر حمایت می‌کردند. یاد گذشتگان را گرمی می‌داشتند و به طبیعت آسیب نمی‌رساندند.

بوروکراسی در باغ‌نی

اوایل دهه ۴۰ دولت تصمیم گرفت که نفوذ خود در روستا را زیاد کند. یکی از راه‌های اجرای این سیاست تشکیل انجمن «ایالتی و ولایتی» بود. انجمن فوق در روستا تشکیل شد و اعضای آن عبارت بودند از: حاج اسماعیل جعفری باغ‌نی رئیس انجمن، محمدآقا احمدی باغ‌نی نایب رئیس انجمن، جواد امامی‌نیا خزانه‌دار انجمن و احمد باغ‌نی عضو اصلی. انجمن علاوه بر نفوذ دولت به ساختار بسته روستا، به دنبال تغییر ساختار سنتی و مبتنی بر شیخوخیت به ساختاری بوروکراتیک و اداری بود که تحت کنترل نظام بوروکراسی اداری باشد. این تغییر سبب منازعه میان طرفداران نظم قدیم و جدید شد. گذشته‌گرایان بازنده و توسط قانون مجازات شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«دعوی میان اهالی پس از تشکیل انجمن ایالتی و کسر سهم دو درصد عمران آبادی بر سر لوله‌کشی آب آشامیدنی باغ‌نی بود که از بزرگ‌ترین منازعات روستا به حساب می‌آید. اکنون پس از شصت سال هنوز اهالی خاطرات آن را بازگو می‌کنند» (مصاحبه گروهی با اهالی).
انجمن روستا با پیگیری رئیس انجمن و همیاری مردم و حمایت دولت فعالیت‌های توسعه‌ای خود را شروع کرد. این اقدامات عبارت بودند از:

۱. نصب منبع آب و تأسیسات مدرن انتقال آب بر روی چاه روستا و لوله‌کشی به نزدیکی منازل. شهر کرمانشاه پیش‌تر در سال ۱۳۳۳ لوله‌کشی شده بود.
۲. ساخت مدرسه دهقان^۱ در شمال غربی و محل خرماتجا «جای خرمن روستا».
۳. ساخت حمام عمومی در کنار چاه آب.
۴. لایروبی، کانال‌کشی و پوشاندن کانال فاضلاب.
۵. کمک به ساخت مسجد فاطمه‌الزهرا.

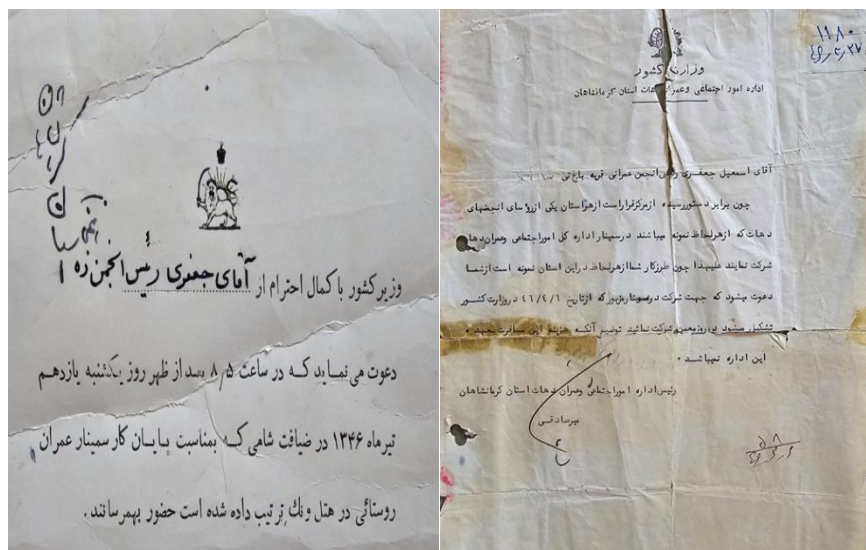
اقدامات فوق مورد تحسین مقامات استانی و کشوری قرار گرفت. اقدامات فوق جملگی به سکونت‌پذیری روستا کمک کرد زیرا صاحب آب شرب و حمام عمومی شدند. فرزندان نیز امکان تحصیل پیدا کردند. مدرسه حریم و دیوار مجزایی نداشت و به بخشی از سکونت‌گاه بزرگ باغ‌نی تبدیل شد. یکی از اهالی باغ‌نی می‌گوید:

«هنگام زنگ تفریح به خانه می‌آمدیم و مادرم کره را از مشک در می‌آورد و نان داغ را از روی ساج بر می‌داشت و برای ما لقمه می‌گرفت» (داریوش، ۶۳ساله)

ابنیه و تأسیسات بالا بر مبنای همکاری و مشارکت همدلانه بیشتر اهالی روستا ساخته شد و خاطرات ارزشمندی را برای اهالی رقم زد. رئیس انجمن روستا بنابراین فعالیت‌ها، از جانب وزیر کشور وقت دعوت و مورد تشویق قرار گرفت (سند ۱ و ۲).

فعالیت‌های انجام شده همچنان در راستای مراقبت از یکدیگر (آموزش فرزندان، ارتقای بهداشت و سلامت، آب‌رسانی)، مراقبت از زمین (لایروبی)، زیستن در کنار طبیعت (مرمت پل) و احترام به نیاکان و در یک‌کلام سکونت‌پذیری بود.

۱. این مدرسه اولین مدرسه روستایی روستاهای اطراف بود.



سند ۱ و ۲: دعوتنامه وزیر کشور از رئیس انجمن روستای باغنی جهت تقدیر از فعالیت‌های توسعه‌ای ۱۳۴۴

اصلاحات ارضی، مهاجرت و شروع تغییرات در باغنی

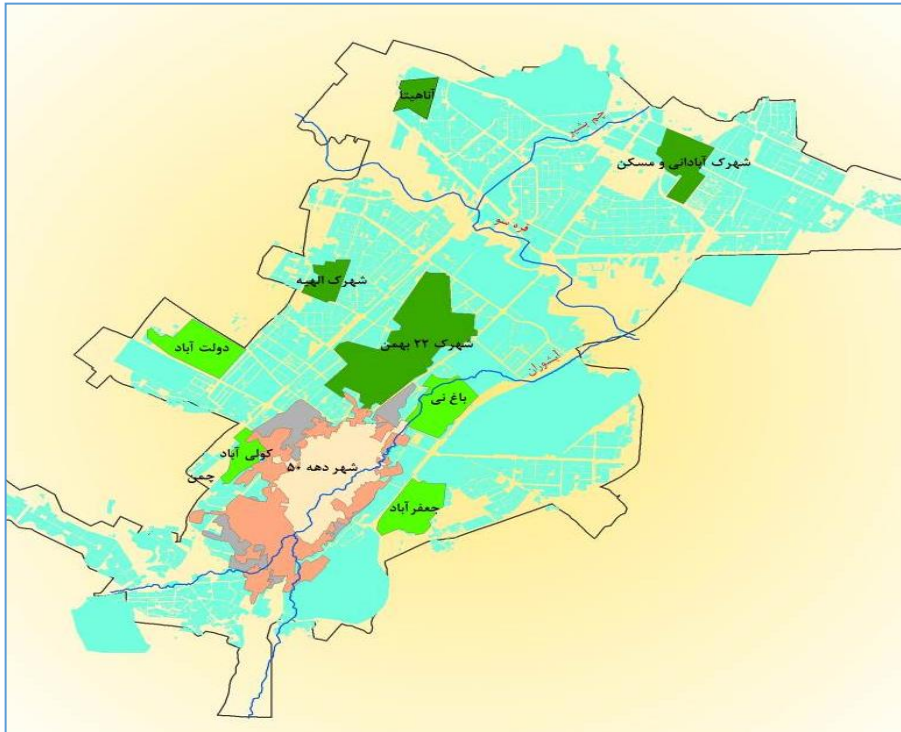
اصلاحات ارضی برنامه کلانی بود که سعی داشت از طریق الغای نظام ارباب‌رعیتی، نفوذ دولت در روستا را بیشتر کند. این برنامه طی سه مرحله از سال ۱۳۴۱ شروع و تا سال ۱۳۵۱ پایان یافت (نک: ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۱۰). اصلاحات ارضی دو پیامد مهم برای روستاییان داشت: «۱) رها شدن نیروی انسانی از شیوه تولید سنتی^۱ (۲) بسط روابط سرمایه‌داری در روستا» (قلی‌پور، ۱۳۹۱). هم‌زمان با تغییر در شیوه تولید سنتی روستا، جاذبه‌های زندگی شهری از طریق عمران شهری زیاد شد. سال ۱۳۴۶ دولت برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۶-۱۳۵۱) خود را از محل درآمدهای نفت اجرا کرد. در این برنامه ۶۵ میلیارد ریال برای کشاورزی سرمایه‌گذاری شد. اما این مقدار برای بهبود شیوه تولید و رونق کشاورزی نبود بلکه بیشتر در راستای پیشبرد اهداف برنامه اصلاحات ارضی

۱. «بیکاری در فاصله بیست سال (از ۱۳۳۵ به بعد) در روستاهای [کشور] ده برابر شد و از حدود ۷۵ هزار در سال ۱۳۳۵ به حدود ۷۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ رسید» (اعتماد، ۱۳۷۷: ۷۱).

پیش رفت. میزان سرمایه‌گذاری برای صنعت و معدن ۹۹ میلیارد، ارتباطات و حمل و نقل ۸۰ میلیارد ریال، آب ۴۸/۵ میلیارد ریال، برق ۳۸ میلیارد ریال، مخابرات ۲۰/۳ میلیارد ریال بود. روی هم رفته موارد سرمایه‌گذاری برنامه در راستای توسعه و عمران شهری بودند و همچنان عمران و آبادانی روستا در آن نقشی نداشت. از ۴۸۰ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی برنامه چهارم فقط ۹/۱ میلیارد ریال صرف عمران روستا شد. دافعه زندگی روستایی با جاذبه زندگی شهری هم‌زمان زمینه‌های مهاجرت را فراهم ساخت. شهر کرمانشاه در طول این دو دهه قطب اصلی مهاجرت‌های روستایی منطقه غرب کشور محسوب می‌شد. جمعیت ۱۸۷۹۳۰ نفری سال ۱۳۴۵ به ۲۹۰۶۰۰ نفر در ۱۳۵۵ تبدیل شد. یعنی ۱۰۲۶۷۰ نفر به جمعیت شهر اضافه شد. تقریباً هر سال ۱۰۰۰۰ نفر به جمعیت شهر اضافه شده است. میزان رشد جمعیت برابر ۴/۱ بود (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵). جمعیت مهمان تأثیر زیادی در تحولات بعدی باغ‌نی داشت که به ترتیب به آن خواهیم پرداخت.

شهرک‌سازی اولین دست‌اندازی به سکونت‌پذیری

شهرک‌سازی اولین مرحله ادغام باغ‌نی در شهر بود. با افزایش جمعیت دو پویای شهری پا گرفت: حاشیه‌نشینی و شهرک‌سازی (نقشه ۳) بنابراین به ناچار چهار محله حاشیه‌نشین کولی‌آباد، جعفرآباد، دولت‌آباد و شاطرآباد (باریکه و شهید) را به دور از نظارت شهرداری و به شیوه‌ای خودانگیخته بنا نهادند (نک: قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). دولت نیز در چهار نقطه از دشت «خوره‌سو» شهرک‌سازی را برای کارمندان دولت و نظامیان شروع کرد: آبادانی و مسکن، ۶ بهمن، الهیه و شهرک ولیعهد (آناهیتای کنونی). احداث شهرک ۲۲ بهمن در درون زمین‌های کشاورزی روستای باغ‌نی رخ داد. پیش از دهه ۴۰، اهالی از چهارراه کنونی راهنمایی رانندگی، انشعابی را از رود آبشوران جدا کرده و به سمت مزارع آنجا هدایت کرده بودند و محصولات جالیزی، چغندر، بادمجان و گوجه می‌کاشتند.

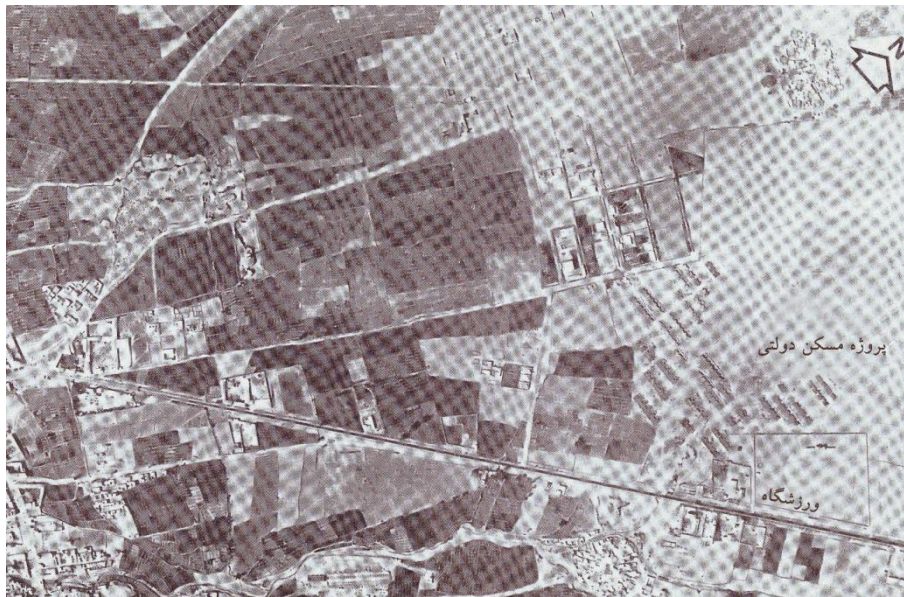


نقشه ۳: دو پویش شهرک‌سازی و حاشیه‌نشینی در دهه ۴۰ خورشیدی

منبع: آمایش سرزمین، ۱۳۹۶: مجلد نظام شهری

در واقع از محل بیت امام‌جمعه فعلی تا مرز چاله چاله و از سمت شمال تا میدان نفت فعلی زمین‌های کشاورزی باغ‌نی بود که به ناگاه توسط دولت و با زور از آنان گرفته شد تا شهرک جدیدی را بسازند. یکی از اهالی می‌گوید:

«اوایل دهه ۴۰ یک مرتبه نیروهای نظامی با هجوم سرنیزه آمدند همه را گرفتند و کشاورزان را از زمین‌ها بیرون کردند و برای کارندهای دولت قواره بندیش کردند» (الله‌داد، ۸۰ ساله). این سلب مالکیت بدون پیش‌زمینه، ناگهانی و با زور بود. این بخش از روند ادغام نوعی دست‌اندازی به خانه و کاشانه اهالی روستا از طریق سلب مالکیت بود. کشاورزی پررونق، ارتباط ارگانیک و دیرینه با چاله چاله از دست رفت و جمعیتی جایگزین آن شد که سنخیتی با هم نداشتند.



نقشه ۴: مراحل اولیه شکل‌گیری محله ۲۲ بهمن در ابتدای دهه ۴۰ خورشیدی
کلارک و کلارک، ۱۳۹۵

مردم باغ‌نی در پاسخ به این سلب مالکیت یا سلب حق ریشه به صورت دسته‌جمعی و با در دست داشتن سند های ۹۹ ساله^۱ در سازمان امنیت جنب میدان نفت فعلی تحصن کردند. دولت وقت در کمتر از ده روز به شکایت مردم پاسخ داد و زمین‌های حوزه کرکوک واقع در ضلع شرقی محله باغ‌نی را با سند ۹۹ ساله برای کشاورزی به مردم واگذار کرد. این جایگزینی برای اهالی خوشایند بود؛ زیرا روابط تولید حاکم بر زمین‌های پیشین استثمارگرانه بود. دهقانان هم به اجاره‌داران و هم به اوقاف سهم می‌دادند. در زمین‌های کرکوک که آن‌هم سند ۹۹ ساله داشتند فقط به اوقاف اجاره می‌دادند و فرد اجاره‌دار از این مناسبات حذف شد. با این که منطقه ۶ بهمن

۱. این سند به مالک اختیار کامل را نمی‌دهد و علاوه بر اقساطی که به صورت سالیانه به اداره اوقاف پرداخت می‌شود بعد از ۹۹ سال درباره اجاره مجدد ملک اوقافی تصمیم‌گیری خواهد شد، برای هرکاری از جمله نقل و انتقال باید اجازه اوقاف داشته باشید. املاکی که این برگه را دارند دارای سند اعیان و اجاره‌نامه عرصه ملک موقوفه هستند و در واقع خریدار حق مالکیتی روی عرصه ندارد و تنها مالک اعیان خواهد بود. در واقع یکی از تفاوت‌های این سند با سند ملکی این است که نه تنها بدون مجوز امکان خرید و فروش ندارد، بلکه درباره هر گونه تغییری در املاک اوقافی باید چندین مرحله با حضور در اداره اوقاف پیموده شود.

(۲۲ بهمن) کنونی به‌زور از جانب دولت از مردم باغ نی گرفته شده بود اما روندهای آتی حاکی از خصومت میان این دو محله نبود. فرزندان روستای باغ‌نی در مدارس ۶ بهمن (۲۲ بهمن) مشغول تحصیل شدند و به‌مرور روابط حسنه‌ای میان این دو محله شکل گرفت. اوایل دهه ۵۰ اهالی باغ‌نی فرزندان‌شان را برای تحصیل در دوره راهنمایی به مدرسه آذرمیدخت (ایرج فیضی کنونی) فرستادند. یکی از آنان می‌گوید:

«فاصله مدرسه و باغ‌نی آمیخته‌ای از کشتزارها و خانه‌های سازمانی در حال ساخت بود. بچه‌های ده با هم دسته‌جمعی به مدرسه می‌رفتند. روابط بچه‌ها حسنه بود. از فاصله دور به‌راحتی بوی غذای خانه‌هایمان به مشام می‌رسید» (داریوش، ۶۳ساله).

تصرف زمین‌های کشاورزی شمال باغ‌نی توسط ارتش

شمال روستای باغ‌نی مزارع گندم، جو و صیفی‌جات بود که توسط اهالی کشت‌و‌زراع می‌شد. اوایل دهه ۴۰ نیروهای نظامی با ادوات نظامی در محل حضور پیدا کردند و حدود ۸۳ هکتار از زمین‌های کشاورزی را تصرف و شروع به ساخت تأسیسات نظامی کردند. این مداخله که مرحله دوم فرایند ادغام باغ‌نی در شهر بود احساس ناخوشایندی به همراه داشت و با سلب مالکیت گسترده‌ای همراه بود. گویی که عضوی از بدن آنان قطع شده بود و خانه و کاشانه‌شان را غارت کرده بودند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«ارتشی‌ها با اسلحه و ادوات وارد زمین‌هایمان شدند و حتی محصولات به‌ثمررسیده‌مان را هم نابود کردند و از برداشت آن جلوگیری کردند» (علی محمد، ۸۵ساله).

مردم برای دست‌اندازی ارتش به زمین‌های کشاورزی‌شان به دفتر فرح پهلوی شکایت کردند نتیجه این شکایت پرداخت ۱۵ ریال بابت خسارت حق ریشه به قرار هر مترمربع به کشاورزان بود. مردم پیشنهاد حکومت را نپذیرفتند و این شکایت پس از انقلاب اسلامی ۵۷ ادامه داشت. اوایل دهه ۹۰ کارشناسان بابت هر متر ۲۵ هزار تومان جهت حق ریشه خسارت تعیین کردند. به علت مالکیت اوقافی این زمین‌ها خسارت یاد شده برای تخریب محصولات کشاورزی و به تعبیر اهالی حق ریشه بود. بالاخره در همین سال مبلغ یازده میلیارد و پانصد میلیون طی سه قسط به اهالی پرداخت شد. یکی از اهالی می‌گوید:

«این مبلغ ناچیز بود و به هر خانواده‌ای ۴ الی ۵ میلیون تومان رسید که عملاً نمی‌شد با آن کاری انجام داد. ما چاره دیگری نداشتیم و دست از شکایت ۵۰ ساله کشیدیم» (بیگ مراد، ۶۸ساله).

شکل‌گیری محله‌های باریکه و شهید

پویش شهری حاشیه‌نشینی که پیش‌تر در مورد آن صحبت کردیم دو محله کوچک برای همسایگی محله باغ‌نی به همراه داشت. مهاجرت روستاییان که اوایل دهه ۴۰ شروع شده بود با شدت بیشتری در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ تداوم یافت. جمعیت ۲۹۰۶۰۰ نفری سال ۱۳۵۵ به ۵۶۰۵۱۴ نفر در سال ۱۳۶۵ رسید. یعنی حدوداً دوبرابر شد. رشد جمعیت این دهه ۶/۸ بود که در نوع خود بی‌نظیر بود. بخشی از این جمعیت به طور خودجوش و دور از نظارت شهرداری در شرق باغ‌نی ساکن شدند و دو محله باریکه و شهید را بنا نهادند. این پدیده سومین مرحله ادغام بود و جمعیتی از مهاجران ناهمگون را در همسایگی باغ‌نی قرار داد. برخی از اهالی با شهردار وقت امان‌الله کیهان در دهه چهل توافق کردند که در ازای واگذاری برخی از زمین‌های موقوفه کرکوک (باغ فردوس و دانشکده کشاورزی و اطراف آن) به شهرداری، بتوانند با اختیار خود زمین‌های شهید و باریکه را تفکیک و باقیمت ناچیزی^۱ به مهاجران روستایی کلیایی و بیلوار بفروشند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «پس از توافق اهالی با شهرداری نظارتی بر ساخت‌وساز محله‌های نوظهور باریکه و شهید نبود. برخی بنا بر میل خود کوچه بن‌بست می‌زدند، برخی مانع دید همسایه می‌شدند یا قواره زمین را دوباره تقسیم می‌کردند. نظارتی نبود و این‌گونه دو محله حاشیه‌نشین در شرق باغ‌نی و ضلع شرقی آب‌شوران ساخته شد» (علی محمد، ۸۵ ساله).

سوداگری و نبود نظارت مدیریت شهری سبب شکل‌گیری دو محله حاشیه‌نشین در شرق باغ‌نی شد که رود آب‌شوران حریم باغ‌نی با آنها را جدا می‌کرد. دو محله کم‌برخوردار که زیرساخت و تأسیسات شهری مناسب نداشتند. نیاز آموزشی باغ‌نی و دو محله هم‌جوار سبب شد سال ۱۳۵۰ ساخت مدرسه بشارت در جنوب غربی محله در محل قبرستان روستا شروع شود. تخریب قبرستان برای اهالی دشوار بود و آنان را در اندوه بزرگی غرق کرد.

«من و یک نفر دیگر بنز ۱۹۰ داشتیم مرتب استخوان مردگان را می‌بردیم قم و بر می‌گشتیم» (الله‌داد، ۸۰ ساله).

در اکثر فرهنگ‌های دنیا قبرستان و مردگان احترام دارند. یاد و خاطرات آنان همواره در زندگی ساری و جاری است. جابه‌جایی قبر عزیزان نوعی آسیب‌رساندن به یکی از ارکان سکونت‌پذیری (یاد گذشتگان، معانی و حفظ آن‌ها در زندگی) بود.

۱. برخی افراد ۵۰ متر زمین را به قیمت یک کیلو گوشت فروختند. فروش زمین‌ها برای اهالی سبب انباشت ثروت نشد. (مصاحبه با غلامرضا)

شکل‌گیری بناهای آموزشی، فرهنگی و مسکونی در شمال باغ‌نی

کرمانشاه از جمله شهرهایی است که روند توسعه آن دارای پیوستگی نبود (نقشه ۱). همین امر فضاهای خالی زیادی را در درون شهر به وجود آورد و پیوستگی فضایی را از بین برد. زمین‌های کشاورزی باغ‌نی در دهه ۵۰ و ۶۰ درست در وسط شهر قرار داشتند و مدیریت شهری به مرور به فکر تغییر کاربری آن‌ها افتاد. اداره اوقاف که خود راصاحب اصلی این زمین‌ها می‌دانست، شروع به ساخت دانشگاه علوم قرآنی کرد. پس از آن دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام‌نور و دانشگاه رازی حداقل دانشکده علوم قرآنی تا آبشوران را به کاربری اداری و آموزشی و خوابگاهی تغییر دادند و چهارمین مرحله ادغام را شکل دادند. این مرحله نیز با سلب مالکیت همراه بود اما به دلیل حضور موثر فضاهای آموزشی با مخالفت ساکنان روبرو نشد. یکی از اهالی می‌گوید:

«از دانشگاه علوم قرآنی تا آبشوران زمین‌های آبی تحت اختیار من بود که در آن جو، گندم، چغندر می‌کاشتم. دهه ۷۰ اوقاف قسمت جلویی را از من گرفت و اجاره را تمدید نکرد و دانشکده علوم قرآنی را اونجا ساخت. سال‌های بعد دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام‌نور و خوابگاه دانشگاه رازی ساخته شد و من با دوندگی در ادارات، در نهایت به نتیجه‌ای نرسیدم» (علی محمد، ۸۵ ساله).

علاوه بر مکان‌های آموزشی زمین‌های خالی دیگری مانند زمین‌های «هیوتی» کاربری مسکونی پیدا کردند. این زمین‌ها از طرف مدیریت شهری تفکیک و به خریداران واگذار شد و موج دوم سکونت شهری‌ها (شهرییل) در جوار حریم روستای باغ‌نی شکل گرفت و پنجمین مرحله ادغام انجام گرفت. در این مرحله نیز جمعیت مهاجر ناهمگونی جایگزین شد که از حیث اقتصادی جزو طبقات متوسط شهری بودند.

جهاد دانشگاهی و معبر ورودی باغ‌نی

باوجود تمام دست‌اندازی‌های گوناگون به سکونت‌گاه باغ‌نی این محله در مرکز شهر کرمانشاه، در زمینی مسطح، کنار بلوار شهید بهشتی، هم‌جوار محله برخوردار ۲۲ بهمن و روبروی سه‌راه ۲۲ بهمن قرار داشت. این محله، فضای زیادی برای مبلمان شهری و طراحی منظر داشت. مجموعه توسعه‌ای روستا که مدرسه دهقان و حمام را شامل می‌شد^۱، فرصت مناسبی برای اعتلای فضای عمومی و رونق محله بود. شهرداری می‌توانست از طریق چانه‌زنی با اداره

۱. جزو املاک اهدایی روستا به انجمن ایالتی روستای باغ‌نی بود. مدیریت این بناهای عمومی در سال ۱۳۶۰ به اداره آب و فاضلاب و آموزش و پرورش واگذار شد.

آب و فاضلاب، آموزش و پرورش و مالکان خصوصی محل کوره آجرپزی که در دهه پنجاه به هتل مدائن و پس از جنگ نیز به محل استقرار جنگ‌زدگان تبدیل شد، فضای دلنشینی را در این بخش از شهر برای شهروندان فراهم سازد. این نوع مداخله می‌توانست به افزایش قیمت ملک و آسایش اهالی کمک کند و بخشی از رنج ادغام آمرانه سال‌های گذشته را جبران کند. اما این اتفاق رخ نداد و اواسط دهه ۸۰ این فرصت توسط جهاد دانشگاهی از محله گرفته شد. جهاد دانشگاهی زمین کنار ساختمان پیشین حمام روستا را از مالک خرید. از طریق چانه‌زنی با آموزش و پرورش، مدرسه دهقان را در تملک خویش قرار داد. همچنین از طریق مذاکره با اداره آب و فاضلاب منبع آب و حمام را به مجموعه اضافه کرد. باقی ملک شخصی محل کوره آجرپزی و هتل مدائن سابق را از وراثت خریداری کرد. سرانجام از طریق مذاکره با شهرداری و شورای ترافیک استان، دو معبر ورودی محله را نیز ضمیمه کرد و با بستن معبر عبور مردم باغ‌نی، مجموعه یکپارچه را در آنجا بنا نهاد و ششمین مرحله ادغام آمرانه و از بالا را رقم زد. ماجرا از این‌جا بود: تیرماه ۱۳۸۵ معبر و راه عبور و مرور محله توسط کارگران پیمانکار جهاد دانشگاهی مسدود شد. اهالی نسبت به این حرکت جهاد دانشگاهی واکنش شدیدی نشان دادند و به تبع آن محله چندین شبانه‌روز توسط نیروی انتظامی کنترل شد و حتی مردم در برابر استانداری تحصن کردند؛ اما نتیجه‌ای حاصل نشد. بستن معبر با ساختن ساختمان‌های بلند همراه شد و محله باغ‌نی در پشت دیوارها رؤیت‌ناپذیر گشت تا این ادغام نه به صورت ارگانیک و هم‌پیوندی با بافت مجاور بلکه نوعی دربرگیری برون‌پیوند باشد. یکی از اهالی می‌گوید:

«تا مدت‌ها احساس خفگی می‌کردیم. انگار جلو پنجره خانه را با دیوار بستند. نورافکن‌هایی را هم در آنجا نصب کردند تا ما را بیشتر کنترل کنند» (حامد، ۳۹ ساله).

اکنون نیز برای ورود از ۲۲ بهمن به باغ‌نی به دلیل بسته شدن معبر مسیر مناسبی وجود ندارد. این مسیر به چهارراهی وارد می‌شود که فقط نصف آن وجود دارد. این مسیر وارد لاین مقابل بلوار می‌شود که خطر تصادف دارد و پس از پنجاه متر حرکت در مسیر بلوار ادامه چهار راه از مسیر دیگری طی می‌شود. این مسیر ناهموار برای رانندگانی که قصد ورود به باغ‌نی یا خیابان دانشگاه را دارند دشوار است.

انتقال مالکیت منازل اهالی باغ نی به اوقاف

در دهه هفتاد، اداره اوقاف کرمانشاه طی روندی یک‌طرفه و هماهنگ با قوه قضاییه، بدون اطلاع ساکنان باغ نی، زمین و منطقه مسکونی روستای باغ نی را بنام اوقاف ثبت کرد و به این ترتیب مردمی که چند صدسال در باغ نی ساکن بودند را به ناگاه به مستأجر اوقاف تبدیل کرد. «ما و بزرگان بارها خدمت علمای شهر مثل آقای جلیلی و حاج آخوند رسیدیم و ایشان همیشه ابراز می‌داشتند که باغ نی جز خالصه‌جات است و هیچ وقف‌نامه‌ای مبنی بر اوقافی بودن زمین‌های مسکونی روستای باغ نی وجود ندارد، چند سال پیش هم که آقای اردشیر کشاورز مورخ کرمانشاهی برای سخنرانی به محفل محرم ما آمد، گفت که باغ‌نی جز خالصه‌جات است و بنده سندی دال بر موقوفه بودنش پیدا نکرده‌ام» (مصاحبه جمعی با اهالی). این بار نیز تلاش مردم باغ نی برای دسترسی به حقوق مالکیت خصوصی مسکن ثمری نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

روستاهایی که به دلیل رشد شهرها در درون بافت شهری قرار گرفتند تغییرات زیادی را در روند ادغام شدن تجربه کردند. رشد شهر کرمانشاه از دهه دوم قرن گذشته بالغ بر ده روستا را در درون خود جای داد که باغ‌نی یکی از آنهاست. این روستا به‌مانند دیگر روستاها سکونت پذیر بود و اهالی از یکدیگر مراقبت می‌کردند. مناسک اجتماعی، جلسات فرهنگی و همیاری ناشی از زیست کشاورزی روابط اجتماعی میان آنان را شدت می‌بخشید. اهالی باغ‌نی روابط اجتماعی خویش را تا سرحدات مزارع گسترانده بودند و قلمرو روستا برای آنان به‌مانند یک «مکان انسان‌شناختی»^۱ بود. مکانی که هر بخش از محیط آن دارای حکایات و داستان‌های زیادی بود. به بیان دیگر افسون‌زدگی در تاروپود خانه‌ها و مزارع رخنه کرده بود. فرایندهای توسعه‌ای اولیه در اواخر دهه ۴۰ مانند ساخت مدرسه، لایروبی نهرها و حمام عمومی جملگی در راستای اعتلای این «مکان انسان‌شناختی» بودند.

رشد و توسعه شهر از اوایل دهه ۴۰ سبب دست‌اندازی به قلمرو این مکان انسان‌شناختی و کم‌رنگ شدن سکونت‌پذیری در آن شد و آغاز ادغام روستا در کلانشهر کرمانشاه رقم خورد. اولین مرحله

^۱ «مکان انسان‌شناختی» جایی است که در آن رابطه، هویت و تاریخ وجود دارد و در مقابل آن «نامکان» است که رابطه تاریخ و هویت در آن شکل نمی‌گیرد.

ادغام ساخت شهرک ۶ بهمن (۲۲ بهمن) بود که بخش زیادی از زمین‌های مرغوب غرب روستا را گرفت و جمعیت زیادی در این مکان حضور پیدا کرد. جمعیتی که جزو بوروکراسی دولت و طبقه متوسط محسوب می‌شدند و به لحاظ سبک زندگی با روستاییان باغ‌نی تفاوت داشتند. این مداخله سبب شد ارتباط ارگانیک و تعلق به مکان اهالی روستا با محیط فیزیکی غرب روستا قطع و پیوند اجتماعی با اهالی چاله چاله کمرنگ شود. هنوز مردم نتوانسته بودن از دست رفتن ابزار معیشت‌شان (زمین کشاورزی) را بپذیرند که بناگاه مرحله دیگری از ادغام با خشونت بیشتری رخ داد. نیروهای نظامی زمین‌های شمال روستا را برای کاربری نظامی تصرف کردند. جنگ و گریز مردم با ارتش به نتیجه منتهی نشد و یک سایت نظامی در شمال روستا با اندکی فاصله جای گرفت. محیطی محصور با سیم خاردار و ماشین‌های نظامی که خوشایند اهالی نبود.

رشد فزاینده جمعیت کرمانشاه از اواسط دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۶۰ بالاخره دامنگیر باغ‌نی شد و مهاجران زیادی در اطراف این روستا جمع شدند. اهالی، زمین‌های شرق روستا را به قیمت نازلی به مهاجران فروختند و با دو محله حاشیه‌نشین «باریکه» و «شهید» همسایه شدند. پس از انفلاب اسلامی ۵۷ زمین‌های حدفاصل باغ‌نی و ارتش به فضای آموزش عالی تغییر کاربری داد و مرحله دیگری از ادغام رقم خورد. باغ‌نی در طول سه دهه تمام زمین‌های کشاورزی خود را از دست داد. مالکان دشت کرمانشاه به ساکنان محله‌ای محاصره در میان دیوارهای حائل ادارات در وسط شهر تبدیل شدند که تابلو محله همواره از جانب ادارات مجاور و ساکنان جدید محله «شهریل» پاک می‌شود تا مبادا این اسم از قیمت زمین و املاک آن‌ها بکاهد. معبر ورودی محله و ساختمان مدرسه و حمام آن نیز در سال ۸۴ به تملک جهاد دانشگاهی درآمد تا آخرین فرصت برای دسترسی بهتر و طراحی منظر مناسب را از دست بدهد.

واکنش اهالی در هر مرحله از ادغام روستا در شهر متفاوت بود. مرحله اول هنگام تصرف زمین‌های ۶ بهمن (۲۲ بهمن) توسط دولت، اهالی به صورت دسته‌جمعی در اداره امنیت بست نشستند و توانستند زمین‌های کرکوک با سند ۹۹ ساله را جایگزین کنند. زمین‌های جدید به لحاظ کیفیت زراعی با زمین‌های پیشین مقایسه‌پذیر نبودند و از حاصلخیزی کمتری برخوردار بودند. مرحله دوم که ارتش زمین‌های شمال را تصرف کرد سبب جنگ و گریز اهالی شد اما به سرعت سرکوب شدند و شکایت مردم به جایی نرسید. مرحله سوم، شهرداری قصد تصرف زمین‌های باغ فردوس و باغ‌فضا را داشت. مردم روش مذاکره را برای مبارزه در پیش گرفتند و موفق شدند شرق روستا را به طور خودجوش تفکیک و به فروش برسانند. در این مرحله هر چند زمین‌ها را به

قیمت ارزان فروختند اما احساس درماندگی نداشتند. مرحله چهارم هنگام ساخت فضاهای آموزش عالی هیچ واکنشی نشان ندادند. در مرحله پنجم، بدون آگاهی مردم زمین خانه محل سکونتشان نیز از مالکیت آنها سلب شد و مستاجر سازمان اوقاف شدند و سرانجام در برابر بستن معبر ورودی و تغییر مالکیت حمام و مدرسه توسط جهاددانشگاهی واکنش شدیدی نشان دادند و اوضاع محله چندین روز ملتهب بود و نیروهای نظامی فضا را آرام کردند. واکنش مردم در این مرحله دستاوردی جز ناامیدی به همراه نداشت.

ادغام روستا در شهر، روند طولانی مدتی است که در درون فرایندهای اقتصادی و اجتماعی و تصمیم‌های سیاسی رُخ می‌دهد. بر اساس یافته‌های این تحقیق باغ‌نی‌کشی به سمت ادغام در شهر نداشت بلکه این توسعه برونزای کلانشهر کرمانشاه بود که این روستا را به زور و از بالا در درون خود جای داد. به همین دلیل پیامدهای منفی گوناگونی به همراه داشت که عبارتند از: ۱. از بین رفتن زمین‌های کشاورزی ۲. سلب مالکیت گسترده ۳. زوال سکونت‌پذیری ۴. شکل‌گیری محله‌ای کم‌برخوردار ۵. قیمت پایین ملک ۶. انزوای تحمیلی از طریق دیوارهای بلند جهاددانشگاهی

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی. تهران: اطلاعات.
- اعتماد، گیتی (۱۳۷۷) «مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر» در شهر نشینی در ایران. تهران: آگاه.
- اوژه، مارک (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته، ترجمه‌ی منوچهر فرهومند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دوسرتو، میشل (۱۳۸۲). «قدم زدن در شهر»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، در مطالعات فرهنگی به ویراستاری سایمون دورینگ، تهران: تلخون.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا و پریشان، مجید (۱۳۸۸). تحولات ساختاری-کارکردی پس از تبدیل نقاط روستایی به شهر: نمونه موردی شهر کانی سور، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۹ (۲): ۱۰۱-۱۲۸.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۶). آمایش سرزمین: مجلد نظام شهری. سازمان برنامه‌و بودجه استان کرمانشاه.
- شمسی، رقیه؛ افراخته، حسن و عزیزپور، فرهاد (۱۳۹۴). پیامدهای کالبدی-فضایی ادغام روستا-شهری (نظام مسکن در جماران)، مجله جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، ۵ (۱۷): ۸۵-۱۰۲.
- صافیان، محمدجواد و مؤمنی، ناصر (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میان سکنی‌گزیدن و فراخواندن از نظر هیدرگ»، در حکمت و فلسفه، سال ششم، شماره دوم.

- عزیزی، محمدمهدی؛ زبردست، اسفندیار و اکبری، رضا (۱۳۹۹). تبیین فرایند ادغام روستاها در شهرهای اقلیم گرم و خشک ایران، هویت شهر، ۱۸ (۵۷): ۱۸-۵.
- فیروزنیا، قدیر؛ کاظمی، مهدی موسی و صادقی، اعظم (۱۳۹۰). مطالعه ادغام روستا در شهر: روستاهای ادغامی در شهر کاشان، ۹(۲۵)، ۹۶-۷۹.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱). تولید اجتماعی فضای شهری: مطالعه موردی شهر کرمانشاه، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، سیاوش، علی کاظمی و مصطفی رضایی (۱۳۹۳). «بازگشت طردشدگان: ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۱، شماره ۱: ۶۳-۸۷.
- کشاوری، اردشیر (۱۳۹۵). زندگی و زمانه محمدعلی میرزای دولت‌شاه، کرمانشاه: مولف.
- کلارک و کلارک (۱۳۹۵). کرمانشاه شهری در ایران، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- مارشال، کاترین، و راسمن، کرچمن (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مورتسن، اینگه (۱۳۷۷). کوچ‌نشینان لرستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: پژوهنده.
- مه‌ریار، محمد (۱۳۷۸). اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۷). «بنا کردن، سکنی گزیدن، اندیشیدن» در فلسفه تکنولوژی، ترجمه‌ی شاپور اعتماد، تهران: مرکز.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۳). «پرسش از تکنولوژی»، ترجمه شاپور اعتماد، فصلنامه ارغنون، شماره ۱: ۳۰-۱.

- Doygun, H. (2005). "Urban Development in Adana, Turkey, and its environmental consequences", *International journal of Environmental Studies*, 4(62), 391-401.
- Hao, P (2012), *Spatial Evolusion of Urban Villages in Shenzhen*, Utrecht University, (Doctoral dissertation) 11-28.
- Hara, y; Honda, R; Sekiyamay, M & Hiramatsu, A (2010). "Impacts of housing development on nutrients flow along canals in prei-urban area of Bangkok", *Water science and technology*, 61, 1073-180.
- Zhang, T (2000). "Land market forces and government s role in sprawl": The case of China. *Cities*, 17(2). 123-135.